

The Effect of Mass Media on the Feeling of Security in the Province of Sistan and Baluchistan

Mohammadmehdi Daneshikohan^{*}, Abdolraool Hasanifar^{}**

Mohammadreza Hasani^{*}**

Abstract

Security has always been considered as the basis for the development of societies. The question is, what effect did the mass media have on the sense of security in Sistan and Baluchistan province? In response to this question, mass media have been investigated using descriptive-analytical method and information has been collected in a library form. In this regard, the role of mass media in the form of cinema and television and domestic and foreign news media has been investigated. Based on the findings of the research, the performance of the media in Sistan and Baluchistan province, both domestically and internationally, with symbolizing and creating negative images and presenting an image that does not match reality, including the symbol of drug trafficking, terrorism, poverty and deprivation in cinematographic works and highlighting The news with security issues in the news media and the representation of this province with ethnic and religious prejudices, separatism and extremism have acted

^{*} Graduated student of Political Science, University of Sistan and Baluchestan, mmehdi.dan@gmail.com

^{**} PhD in Political Thought, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), hasanifar@lihu.usb.ac.ir

^{***} Ph.D in sociology, Assistant Professor, Department of Social Sciences, University of Sistan and Baluchestan, mohammadreza.hasani63@yahoo.com

Date received: 2022/11/03, Date of acceptance: 2023/01/30



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

as a factor reducing the sense of security and caused an unrealistic image of this province to be formed in public opinion.

Keywords: Media, sense of security, Sistan and Baluchestan province, cinema.



تاثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان

محمد مهدی دانشی کهن*

عبدالرسول حسنی فر**، محمدرضا حسنی***

چکیده

امنیت همیشه بعنوان بستر و زیربنای توسعه جوامع مطرح شده است. باعنایت به اهمیت این امر، در این تحقیق با توجه به شرایط استان سیستان و بلوچستان به بررسی نقش رسانه‌ها بر احساس امنیت در این استان پرداخته شده است. سوال این است که رسانه‌های جمعی چه تاثیری در احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان داشته است؟ در پاسخ به این سوال رسانه‌های جمعی با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعاتی نیز به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در این راستا نقش رسانه‌های جمعی در قالب سینما و تلویزیون و رسانه‌های خبری داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های تحقیق عملکرد رسانه‌ها در خصوص استان سیستان و بلوچستان اعم از داخلی و خارجی با نمادسازی و چهره‌سازی منفی و ارائه تصویری غیرمنطبق با واقع از جمله نماد قاچاق موادمخدر، تروریسم، فقر و محرومیت در آثار سینمایی و برجسته کردن اخبار با موضوعات امنیتی در رسانه‌های خبری و نمایش این استان با تعصبات قومی و مذهبی، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی، بعنوان عامل کاهنده احساس امنیت عمل کرده و سبب شده تا تصویری غیرواقعی از این استان در افکار عمومی شکل بگیرد.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، mmehdi.dan@gmail.com

** دکتری اندیشه سیاسی، دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)، hasanifar@lihu.usb.ac.ir

*** دکتری جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان، mohammadreza.hasani63@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰



۱. مقدمه

مقوله امنیت و احساس امنیت، قدمتی در درازای تاریخ بشر دارد. امنیت و سلامت در متون دینی به عنوان دو نعمت و مولفه بسیار حیاتی در زندگی بشر محسوب می‌شود. در گفتارها و نظریه‌های اندیشمندان نیز امنیت و احساس امنیت جایگاه رفیعی در زندگی بشر دارد و اگر همه کوشش‌ها و کوشش‌ها را در حیات نوع بشر برای رسیدن و تامین امنیت و آرامش بدانیم سخنی به‌گزارفته نشده است. احساس امنیت به عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد و در واقع تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد. (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۸، ۳۷).

شاید تا دهه‌های اخیر متفکرین، بین امنیت و احساس امنیت چندان تفاوتی قایل نبودند ولی به دلیل تغییر و تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید مشخص شد که بعد ذهنی امنیت یعنی احساس امنیت اهمیت غیر قابل انکاری پیدا کرده است زیرا این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و فقط به شاخص‌های امنیت قابل تقلیل نیست. (دلاور، ۱۳۸۴: ۵) وجود امنیت به اندازه احساس امنیت اهمیت دارد و از نیازهای پایه بشری است. (Boldrin et al, 2015: 264) لذا احساس امنیت، پیش زمینه و بسترساز توسعه و یک اجتماع سالم است و سعادت یک جامعه به حفظ و ارتقای امنیت و احساس امنیت وابسته است. علیرغم دستیابی به میزان رفاه بیشتر در دنیای کنونی، رسیدن به احساس امنیت مطلوب همچنان نیازمندی انسان به شمار می‌رود (کامران و شعاع برآبادی، ۱۳۸۹: ۲۶) و به همین دلیل در این مقاله بر احساس امنیت تاکید شده و تلاش شده است تا یکی از عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار گیرد.

در برخی جوامع علیرغم وجود امنیت مطلوب و تامین حداقل نیازهای افراد جامعه توسط حکومت، میزان احساس امنیت رقم پایین تری را نسبت به امنیت نشان می‌دهد. اصولاً احساس امنیت با نشانه‌های تحرک، پویایی، همگرایی، خوش بینی، امید به آینده و تلاش همراه می‌شود. همچنین احساس امنیت، موجب اعتماد به نفس شهروندان شده و بعنوان سرمایه انسانی، قادر خواهند بود در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش بایسته خود را ایفا نمایند. از سوی دیگر احساس عدم امنیت موجب انهدام سرمایه انسانی و اجتماعی

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۳۵

شده و باعث ظهور و بروز ناهنجاری‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی می‌گردد. (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۱۹)

مقوله احساس امنیت جدای از آنکه ابعاد مختلف دارد، در هر گستره جغرافیایی نیز اسباب و علل سلبی و ایجابی مربوط به خود را داراست و به عبارت روشن‌تر اگرچه احساس امنیت و عوامل و موانع آن بطور کلی در همه دنیا و یا در یک کشور، شاخص‌های عمومی و مشترکی دارد اما بسته به شرایط مختلف هر منطقه مثل باورها و ارزشها، محیط‌های مختلف جغرافیایی و غیره، تفاوت و شدت و ضعف دارد که قابل تأمل و توجه می‌باشد. (خدایار، ۱۳۹۱: ۱)

از طرف دیگر کسی امروزه در این گزاره شک و تردید ندارد که رسانه‌ها در قالب‌های مختلف به یکی از اجزای زندگی بشر تبدیل شده و نقش مهمی بر ادارک، شناخت و برداشت انسان از خود و محیط پیرامون دارد. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی در این باورند که ترکیب و همگرایی فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تجدید ساختار نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر و جامعه تازه‌ای کرده است که «دانیل بل» (Daniel Bell) آن را جامعه فراصنعتی و «تادائو اومه سائو» (Tadao Umehao) آن را جامعه اطلاعاتی و «کاستلز» (Manuel Castells) جامعه شبکه‌ای نامیده است. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲)

پارادایم‌های امنیتی سنتی و نقش ارتباطات جمعی در دوران پس از جنگ سرد دچار دگردیسی عمده‌ای شده‌اند. رسانه‌ها از نظر امنیت هم مثبت و هم منفی هستند و بحث‌های متعددی پیرامون مسئله مسئولیت رسانه‌ها مطرح می‌شود. (Klepka, 2019: 252) روابط بین رسانه‌ها و احساس امنیت در زمان معاصر بسیار مستحکم و متنوع است که از پیچیدگی و چندوجهی‌روشن‌مدرن‌درک‌امنیت و نقش‌رو به‌رشد دولت که با وظایف و تغییرات جدیدی در محیط رسانه روبرو است، نتیجه می‌شود. رسانه‌ها نگرش مردم را تغییر داده و روی شناخت آنها تأثیر می‌گذارند یعنی به مردم می‌گویند چه موضوعاتی مهم به نظر می‌رسند. رسانه‌ها به انتقال اهمیت نسبی مفاهیم به صورت قراردادی از رهگذر گسترش مراودات و ارتباطات و تأثیر بر افکار مخاطبان درباره آنچه باید به آن فکر کنند یا مهم تلقی کنند، می‌پردازند. (دهشیری، ۱۳۸۴: ۸۲-۸۱ و ۶۱) قدرت نفوذ و اثرگذاری رسانه در جهان کنونی به حدی گسترده و همه‌گیر است که کمتر اندیشمندی می‌تواند از این نفوذ و اثرگذاری چشم‌پوشی کند.

بدون شناخت عوامل موثر و مرتبط با احساس امنیت در جامعه، تامین امنیت و نظم عمومی در سطح جوامع امکانپذیر نخواهد بود. لذا شناخت این عوامل از پیش شرط های اساسی در توسعه و ایجاد یک اجتماع سالم می باشد و این مسئله در استان سیستان و بلوچستان که بزرگترین استان مرزی ایران بوده و از ویژگی های خاص جغرافیایی، چندگانگی و تنوع مذهبی و قومی، پایین بودن شاخص های توسعه اقتصادی و غیره برخوردار است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به ویژه آنکه این استان به دلیل معضلات ضدامنیتی که ناشی از حضور و فعالیت گروهک های تروریستی طی سالیان متمادی بوده، شاهد حضور و نقش پررنگ نهادها و نیروهای نظامی و انتظامی برای تامین امنیت می باشد و علیرغم اقدامات گسترده ای که برای ایجاد امنیت و احساس امنیت در منطقه صورت گرفته ولی همچنان مسئله امنیت یکی از نیازمندی های اصلی استان است و در این شرایط این سوال مطرح می شود که عوامل اصلی و مهم موثر بر احساس امنیت در این منطقه از کشور چه می باشد زیرا که شناخت ریشه ها و زمینه های بروز احساس ناامنی اولین قدم در برنامه ریزی برای کاهش معضلات و افزایش احساس امنیت پایدار است. از آنجا که احساس امنیت پدیده ای چند بعدی است و مطالعه میزان آن در یک جامعه از جهات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان پذیر است (نویدینا، ۱۳۸۸: ۱۹) در این پژوهش تلاش شده به این مسئله در استان سیستان و بلوچستان در یکی از ابعاد آن یعنی نقش رسانه پرداخته و مورد بررسی قرار گیرد.

بطور کلی موضوع امنیت و احساس امنیت همواره یکی از مباحث بسیار مهم در حوزه مطالعات ملی و منطقه ای بوده است و از این حیث مراکز مختلفی با صرف هزینه های زیاد به مطالعه در این حوزه اقدام نموده و مطالب گسترده ای را به انجام رسانیده اند. علیرغم اینکه مطالعاتی در خصوص عوامل موثر بر امنیت و ناامنی در سیستان و بلوچستان انجام شده است ولی آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفته، توجه به بعد ذهنی امنیت یعنی احساس امنیت در بین شهروندان و نقش و اثرگذاری رسانه ها در این زمینه می باشد. این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت بیشتر بعد ذهنی امنیت و احساس امنیت نسبت به بعد عینی آن، سعی نموده تا با توجه به موضوع رسانه، رابطه و نقش رسانه در قالب های انتخاب شده را بر احساس امنیت استان سیستان و بلوچستان بعنوان یکی از مناطق حساس کشور را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد و به این سوال پردازد که با توجه به خاصیت ذهنی احساس امنیت، رسانه ها چه نقشی در برداشت ذهنی و احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان دارند؟

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۳۷

در این راستا تأثیر رسانه بر تصور شهروندان سیستانی و بلوچ و هم کل مخاطبان ایرانی که اثر مستقیم بر احساس امنیت این استان دارد مورد بررسی قرار گرفته است. با کمک این تحقیق این امکان برای دست اندرکاران فراهم میشود تا با شناخت موانع، به مطالعه در مورد راهکارهای مناسب برای ارتقاء احساس امنیت شهروندان در سیستان و بلوچستان بپردازند.

۲. مبانی و چارچوب نظری تحقیق:

۱.۲ امنیت و احساس امنیت

امنیت در لغت به معنای (ایمن شدن و در امان بودن و بی بی‌می) تعریف شده است. (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲) واژه امنیت معادل واژه security است که ریشه لاتین این واژه، Securus است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است بنابراین امنیت و احساس امنیت از روندهای اجتماعی ناشی می‌شود که باعث کاهش خطر، افزایش عادی بودن، قابلیت پیش بینی و اطمینان متقابل می‌شود. (clements, 1990: 3)

در فرهنگ آکسفورد امنیت چنین تعریف شده: شرایطی که در آن یک موجود در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود. تعریف‌های مندرج در فرهنگ‌های لغت از مفهوم کلی امنیت، بر احساس آزادی از ترس یا احساس ایمنی که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند. (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۹) «باری بوزان» (Barry Buzan) امنیت را، محافظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید، تعریف کرده است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲) عماد افروغ در تعریف خود به بعد عینی - ذهنی امنیت اشاره کرده است. تعریف وی چنین است: امنیت عدم تهدید نسبت به حقوق افراد، اعم از حقوق فردی و اجتماعی که خود این حقوق به حقوق طبیعی (حق حیات، خانواده، اشتغال، اقامت، مالکیت)، وضعی (حقوق مدنی و سیاسی) و اجتماعی (که هم مربوط به گروه‌های مدنی و هم اجتماعات طبیعی و هم جامعه در سطح کلان است و عمدتاً مشتمل بر حقوقی از قبیل استقلال و وحدت و یکپارچگی، عدالت اجتماعی، حق فرهنگی، ثبات سیاسی و ... است) قابل تفکیک است. و بعد ذهنی امنیت یعنی این احساس افراد که حقوقشان مورد تعرض قرار نمی‌گیرد (افتخاری و افروغ، ۱۳۸۱: ۲۴۱).

توجه به معنای لغوی این واژه و تعاریف مختلف موجود این نکته را آشکار می‌سازد که ((تهدید)) هسته مرکزی این مفهوم را تشکیل می‌دهد. تهدید می‌تواند ابعاد عینی و ذهنی

داشته باشد. (امیرکافی، ۱۳۸۷: ۴) امنیت در مفهوم عینی آن اندازه گیری فقدان و تهدید علیه ارزش ها است و در مفهوم ذهنی آن فقدان احساس ترس از اینکه چنین ارزش هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت (Muller, 2003) بنابراین، احساس امنیت را می توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، صدمه، آسیب یا خطر تعریف کرد و به عبارت دیگر، احساس امنیت به مفهوم میزان آرامش و اطمینانی است که هر فرد نسبت به رهایی از چالش ها و تهدیدات پیرامونی اش دارد. بعد عینی آن است که با عوامل عینی، محیطی و رفتاری ارزیابی می شود و بعد ذهنی بر اساس احساس امنیت از جمع درک می شود. (صالحی، ۱۳۹۰: ۸) هر دو بعد می تواند بر یکدیگر تاثیر بگذارد و رابطه نزدیکی با هم دارند ولی ضرورتاً یکی به شمار نمی روند.

در واقع ما باید احساس کنترل و مثبت بودن و نه ترس و آزار از امنیت داشته باشیم تا تأثیرات مثبت بیشتری در زندگی روزمره ما داشته باشد. زندگی در حالت ترس مداوم، ممکن است بسیاری از مزایایی که از امنیت واقعی انتظار داریم را از ما بگیرد. لذا در شرایط مشابه امنیتی، ممکن است احساس امنیت افراد متفاوت باشد. (Schneier, 2003: 9)

با این حال مفهوم امنیت از جنبه منفی و سلبی در اوایل شکل گیری دولت-ملت ها، به امنیت مثبت تغییر یافته است. آنچه در جوامع اولیه و حتی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح بود یک دیدگاه محدود به احساس امنیت بود به طوری که بحث احساس امنیت روی موضوعات نظامی متمرکز بود یعنی یک نوع دید تقلیل گرایانه نسبت به امنیت حکمفرما بود و احساس امنیت را در توانایی های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ ها جستجو می کردند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳) اولین بار به صورتی مستقیم مک سوینی در کتاب خود «امنیت، هویت، منقعت» ضمن انتقاد از تعریف جاری از امنیت (که وی آن را امنیت منفی نام نهاده) به بعد جدیدی از این مفهوم (امنیت مثبت) اشاره می کند و آن را با قیاس با مفهوم سلامتی به نحو جالبی تشریح می کند. وی معتقد است همانطور که صرف بیمار نبودن فرد به معنی سالم بودن نیست، در مورد امنیت نیز صرف بقای فیزیکی فرد به معنای امنیت کامل وی نیست (Roe, 2008: 779). انسان می باشد، مربوط است. سایر نیازهای بشری را که بالاتر از این حد هستند می توان در حوزه امنیت مثبت قرار داد. برداشت مک سوینی از امنیت را می توان با در ارتباط قرار دادن آن با تعریف ارائه شده از امنیت مثبت و منفی توسط گزارش توسعه انسانی به نحو بهتری درک

کرد. در این گزارش، فراغت از ترس و فراغت از نیاز به عنوان دو بعد امنیت مطرح شده اند که اولی را میتوان معادل امنیت منفی و دومی را معادل امنیت مثبت قرار داد. (همان، 780)

باعنایت به توضیحات مذکور امروزه احساس امنیت بر وجود اطمینان خاطر و آرامش دلالت دارد و ماهیتی تأسیسی پیدا کرده است. احساس امنیت دیگر معادل تهدید های مرزی حاصل از تهدید های بیرونی نیست. بلکه ابعاد تازه ای به خود گرفته است که به فراخور نوع مسائل و حتی به جبر حاصل از عدم وجود آن در ساختار اجتماعی، می تواند باعث شکل گیری مشکلات و معضلات ویژه ای شود. (بمانیان، ۱۳۸۸: ۲۱) از این رهگذر، مهمترین ویژگی های احساس امنیت عبارتند از:

- گستردگی، پیچیده و مبهم بودن: تحول معنای احساس امنیت، به لحاظ مراجع موضوعی و ابعاد مفهومی، آنرا به شدت گسترش داد طوری که این مفهوم وارد حوزه مفاهیم دیگری از جمله رفاه، عدالت و غیره شد و همین امر موجبات پیچیدگی و در عین حال ابهام آن را فراهم ساخت. (Brauch, 2006: 4)
- نسبی بودن: ممکن است یک عامل تهدید، در طول زمان میزان های متفاوتی از ناامنی را برای یک مرجع امنیتی پدید آورد، چه بسا تهدیدی که در یک دوره برای فرد یا کشوری منبع ناامنی به شمار می آمد با گذشت زمان بی اثر شود و یا برعکس. (schneiers, 2003: 59, Clement, 1990: 3)
- احساس امنیت کامل و مطلق امکان پذیر نیست: چشم انداز رهایی کامل از بیم و تهدید غیرممکن و هیچ راهی وجود ندارد که هر فرد، گروه یا ملتی بتواند خود را کاملاً آسیب ناپذیر یا امن کند. (Clement, 1990: 3) قانون کاهش مطلوبیت نهایی همانگونه که در مورد دیگر حوزه های زندگی اجتماعی صدق می کند در مورد مسئله احساس امنیت نیز صادق است (احساس امنیت پس از دستیابی به میزان اپتیموم، خود به خود از مطلوبیت آن کاسته شده و بر هزینه های دستیابی بر آن افزوده میشود) (بالدوین، ۱۳۷۶، ۴۷)
- توازن داشتن با دیگر ارزش ها: اتخاذ تدابیر مختلف برای برقراری احساس امنیت مستلزم برقرای توازن بین هزینه و منفعت است؛ همانطور که احساس امنیت به منابع مالی نیاز دارد، به هزینه کردن از سایر ارزش ها مثل راحتی، استعداد و آزادی ها نیز نیاز داشته و باید این توازن در نظر گرفته شود. (Schneier, 2003: 2)

با وجود آنکه تشخیص نموده‌های مفهوم احساس امنیت در زندگی به نظر آسان است و همه افراد در دوران زندگی روزمره با آن مواجه می‌شوند ولی تعریف و نظریه پردازی این مفهوم بین اندیشمندان چالش برانگیز است. در واقع نسبی و انتزاعی بودن مفهوم احساس امنیت و تعدد دیدگاه‌ها و مکاتب مختلف که هر یک از منظر خاصی به علت ناامنی‌های بشری نظر افکنده‌اند، دلیل این امر می‌باشد. ما در این تحقیق دیدگاه برخی مکاتب در این خصوص را به اجمال بررسی و طرح موضوع خواهیم کرد:

فراساختار گرایی (Post-structuralism): از این دیدگاه شکل دهی به جهان مادی از طریق ساختارهای ذهنی، تفاسیر هنجاری و معرفت شناختی صورت می‌پذیرد. بنابراین فرا ساختار گرایی به واقعیت‌های عینی اعتقادی ندارد و به امنیت به عنوان یک مفهوم ذهنی توجه می‌کند. تاکید بر نظریه به جای واقعیات و عدم اعتقاد به جدائی عینیات از ذهنیات منجر به پذیرش امنیت به عنوان یک مفهوم ذهنی در برابر امنیت به عنوان یک مفهوم عینی نزد فراساختارگرایان شده است. (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴)

جامعه‌گرایان (Communitarianism): جامعه‌گرایی بر ساخت اجتماعی هویت تاکید دارد و مرجع امنیت را هویت اجتماعی می‌داند. به زعم اینان فهم و هویت فرد در ساخت اجتماع شکل می‌گیرد. افراد در پرتو زندگی در جامعه است که استعداد، شیوه زندگی و هویت خود را پیدا می‌کنند؛ از این رو زندگی سیاسی باید از دل‌بستگی به یک جامعه شروع شود و نه فرد. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۰۲، ۲۰۳) از دیدگاه جامعه‌گرایان فقط دفع یا فقدان تهدید منجر به امنیت نمی‌شود بلکه تعقیب مدون و مرتب ایمنی از طریق اقدام مثبت و پیش‌گیرانه است که امنیت را در پی می‌آورد و بطور کلی امنیت پژوهی را دارای مولفه‌های زیر می‌دانند:

۱- امنیت هویت: نگرهانی از هویت و ممانعت از تهدید و تحریف خاستگاه یک گروه (قومی، ملی، دینی، جنسی، شغلی، سنی و ...) مهمترین موضوع مورد تاکید جامعه‌گرایان است. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۱۴) به همین دلیل از دیدگاه جامعه‌گرایان، جهانی شدن، تهدید علیه امنیت جامعه است. (هورن، ۱۳۸۰: ۲۳)

۲- خاص‌گرایی: جامعه‌گرایان در مقابل لیبرال‌ها، اعتقاد به خاص‌گرایی در مقابل شمول‌گرایی دارند؛ بدین ترتیب که اندیشمندان جامعه‌گرا به اصالت رویه‌ها، سنت‌ها و هنجارهای سنتی - فرهنگی باور داشته و مانع یکسان‌سازی آنها بوسیله راه رشد سرمایه داری و راه ارتقای لیبرالیسم هستند.

۳- بنیادهای اخلاقی متفاوت: از دیدگاه جامعه‌گرایان، سستی که در جامعه مدرن کارکرد دارد نمی‌تواند بدون غایت باشد. بنابراین از مجموعه هست‌ها می‌توان بایدهائی را استنباط نمود و بدین ترتیب مناسبات عرفی را معنا بخشید. فرض غایتمندی موجودات از جمله انسان، موجد معیار اخلاقی کارآمدی است که می‌تواند در حوزه امنیت اجتماعی و امنیت انسانی نقش موثری ایفا کند.

۴- موقعیت مندی خرد فردی: از نظر جامعه‌گرایان، رفتار انسان‌ها بیش از آنکه مبتنی بر استدلال عقلانی باشد، متأثر از زمینه اجتماعی است. (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۱۵-۲۱۶)

امنیت انسانی (Human security): مفهوم توسعه که تا قبل از ۱۹۹۰ اغلب مترادف درآمد اقتصادی به کار برده می‌شد، به دنبال انتقادات اساسی از آن، به صورت بی‌سابقه‌ای دگرگون شد و ضمن پذیرش ابعاد مختلف (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و با تغییر مرجع، جای خود را به مفهوم وسیع‌تر و جدیدتر توسعه انسانی با محوریت فرد داد و همزمان با این تحولات، برداشت از امنیت نیز به شدت متحول شد و حاصل آن پیدایش امنیت انسانی بود.

براساس گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، توسعه انسانی به عنوان "فرآیندی برای گسترش دامنه انتخاب افراد" تعریف شده است و امنیت انسانی به این معنی است که "مردم می‌توانند با خیال راحت و آزادانه از این انتخاب‌ها استفاده کنند" و می‌توانند نسبتاً مطمئن باشند که فرصت‌هایی که امروز دارند فرداً کاملاً از دست نخواهند رفت. (Shinoda, 2004: 10)

مطالعات امنیتی جهان سوم: در این زمینه نیز دو دیدگاه متفاوت نسبت به امنیت وجود دارد. دیدگاه اول مشکلات امنیتی کشورهای جهان سوم را ناشی از نارسائی‌های داخلی می‌داند و تحول در نظام بین‌المللی تأثیر جدی در آنها نخواهد داشت. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۶۵) نارسائی‌های داخلی با زمینه‌های ناامنی در این جوامع را می‌توان به عوامل سخت‌افزاری (توان نظامی - اقتصادی و ساختار اجتماعی) و عوامل نرم‌افزاری (هویت ملی، انسجام اجتماعی، توان مدیریتی دولت) تقسیم نمود.

یکی از عوامل ناامنی کشورهای جهان سوم در این دیدگاه، ساختار اجتماعی نامتوازن این جوامع است. در این کشورها فرایند شکل‌گیری دولت - ملت، یک فرایند درون‌زا و تدریجی نبوده است بلکه عواملی خارجی (استعمار) نقش مهمی در شکل‌گیری این دولت‌ملت‌ها داشته است و این عامل توازن سستی ساختار اجتماعی را از بین برده اما یک ساختار اجتماعی متوازن را جایگزین آن نکرده است. (عسکری ۱۳۸۱: ۱۰۳، ۱۰۲) تعادل در ساختار اجتماعی

به این معنا که ساختارهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به لحاظ حجم متوازن باشند در این جوامع وجود ندارد.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، گسست های اجتماعی، تهدیدی برای امنیت ملی آنهاست. این گسست های اجتماعی می تواند ناشی از قوم گرایی و یا اختلافات مذهبی در این کشورها باشد. در گذشته ساز و کار روابط میان افراد یک قوم با اقوام دیگر بسیار ابتدائی و محدود بود. این روابط در شرایط جدید بسیار پیچیده و نزدیک گردیده است. تمامی آنها در اثر آگاهی های مختلفی که پیدا کرده اند، خویشتن را در منافع جمعی و کلان موجود در کشورها، شریک و صاحب حق می دانند. این خود آگاهی در پیوند با عدم پیش زمینه های ارتباطی منطقی میان اقوام مختلف در دنیای پیچیده سیاست و اجتماع فعلی، معمولاً جوامع را دچار بحران می سازد. (ولی پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۴۸) تداوم محرومیت های تاریخی دیگر کمتر برای اقوام مختلف قابل تحمل است. عدم پاسخگویی دولت های ملی و یا عدم توانایی این دولت ها در پاسخ به انتظارات افزایش یافته مردم موجب بروز بحرانهای اجتماعی و سیاسی می شود.

در مقابل دیدگاه اول که عامل اصلی ناامنی در کشورهای جهان سوم را نارسایی های داخلی می داند، به نظر برخی نظریه پردازان، دخالت کشورهای قدرتمند و چشم داشت آنها به منافع اقتصادی عامل وضعیت نامناسب امنیتی در جهان سوم می باشد. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۶۶) البته در میان نظریه پردازان افرادی نیز به عوامل خارجی و داخلی توأماً توجه نموده و هر دو را در وضعیت امنیتی کشورهای جهان سوم موثر می دانند.

۲.۲ رابطه احساس امنیت و رسانه

علیرغم تفاوتی که در نگاه دیدگاه های مختلف نسبت به امنیت و احساس امنیت وجود دارد ولی براساس تعریف و مشخصه هایی که از احساس امنیت بخصوص در دوران کنونی وجود دارد، رابطه متقابل و غیرانکاری بین کارکرد رسانه ها و احساس امنیت افراد وجود دارد. آنتونی گیدنز (Anthony Giddens) مفهوم امنیت را در چارچوب بحث وسیعتر مدرنیته تحلیل و تفسیر می کند. گیدنز مدرنیته را نوعی نظم پس از جامعه سنتی می داند؛ ولی نه آنچنان نظمی که در آن احساس امنیت و قطعیت ناشی از عادات و سنن جای خود را به یقین حاصل از دانش عقلانی سپرده باشد. (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۷) او با تعریف امنیت به عنوان موقعیتی که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابل شده و یا به حداقل رسانده باشند، از لحاظ گستره و حجم ناامنی،

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۴۳

بین جامعه مدرن و سنتی تمایزی قائل نمی‌شود و ضرورتاً جامعه مدرن معاصر را امتز از جامعه گذشته نمیداند.

گیدنز آگاهی از مخاطره را یکی از عوامل مؤثر بر احساس مخاطره می‌داند و با اشاره به نقش محوری رسانه‌ها در این بین، تأثیرگذاری حوادث و اتفاقات فواصل مکانی بسیار دور بر زندگی روزمره انسانها را از اساسی‌ترین مؤلفه‌های دوران مدرنیته می‌داند و معتقد است که با خبر شدن از مخاطرات در نهایت به احساس مخاطره می‌انجامد.

توانایی‌های ذاتی و وسایل ارتباطی در جریان سازی‌های فرهنگی و سیاسی، تأثیر آنها بر شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های عمومی و جایگاه آنها به عنوان منبعی اصلی و مسلط برای آرایه‌تساویر ذهنی از واقعیت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی غیرقابل انکار است. این وسایل قادرند در سطحی وسیعتر و مدت زمانی طولانیتر با مردم ارتباط برقرار کرده، تأثیر اولیه مدرسه، خانواده و مذهب و امثال آن را بر افراد تحت شعاع قرار دهند. (مهرداد، ۱۳۸۰: ۵۶)

یکی از نظریات مطرح و مورد استفاده در این تحقیق نظریه برجسته‌سازی است. برجسته‌سازی بر این فرض استوار است که محتوای محصولات رسانه‌ها بر درک عموم از میزان اهمیت موضوعات اثر دارد. نتایج بررسی «مک کامبز» (Mc. Combs) و «شاو» (Donald Shaw) در دهه ۷۰ میلادی که اولین پژوهش درباره برجسته‌سازی است، نشان داد که رسانه‌ها می‌توانند با برجسته‌کردن رویدادهای خاص در ذهن مخاطبان تأثیرگذار باشند. (سورین و تانکارد، ۱۳۹۸: ۳۲۷) کارکرد برجسته‌سازی، گرایش رسانه‌ها به تأثیر گذاشتن بر آنچه مردم درباره آن فکر خواهند کرد یا آنچه مهم تلقی میکنند، توصیف کرده‌اند. برجسته‌سازی فرآیندی است که طی آن رسانه‌ها اهمیت نسبی موضوعات مختلف را به مخاطب انتقال می‌دهند. بر مبنای این نظریه هرچه رسانه‌ها بیشتر به یک مسأله یا رویداد اهمیت بدهند، مخاطبان اهمیت بیشتری برای آن قایل می‌شوند. (سپهر و ناصری، ۱۳۸۹: ۱۲۶) این فرضیه مهم است، زیرا حاکی از شیوه‌ای است که رسانه‌ها بر جامعه اثر می‌گذارند و دیدگاه‌های افراد را در خصوص مشکلات مهمی که جامعه با آنها روبرو است، شکل می‌دهند. (تانکارد و سورین، ۱۳۹۸: ۳۵۸)

در مجموع نظریه برجسته‌سازی بر این نظر است که رسانه‌ها حتی قدرت تغییر نگرش در افراد را دارند و بر این اساس ملاحظه می‌شود که رسانه‌ها بر اساس منطق عملکرد خود،

نقش و جایگاه ویژه ای را به خصوص در حوزه احساس ناامنی ایفا می کند؛ زیرا تبلیغات مکرر و گسترده برای پوشش اخبار جرم و جنایت، از یک سو ترس از جرم را گسترش می دهد و از سوی دیگر، این فضای ذهنی را ایجاد می کند که فرد احتمال قربانی شدن خود را بیش از حد برآورده کند. (گرابسکی، ۱۳۸۴: ۲۱۶)

مک لوهان (Marshall McLuhan)، در نظریه سوزن تزریقی یا گلوله نیز پیش بینی می کند که پیام های ارتباط جمعی بر همه مخاطبانی که در معرض آنها قرار می گیرند، اثرهای قوی و کم و بیش یکسان دارد. به نظر مک لوهان، اثر رسانه ها این است که بر عادات، درک، رفتار و تفکر ما اثر می گذارد. مردم ابتدایی بر تمام پنج حس تأکید داشتند، اما فناوری و بویژه رسانه ها موجب شده است که افراد یک حس را بیشتر از حواس دیگر مورد تأکید قرار دهند.

همچنین برخی از نظریه پردازان همچون رابرت مک نامارا معتقد است امنیت در گرو فکر انسان و در سایه توسعه عملی است و به خوبی میدانیم توسعه مفهومی کیفی است که از طریق فرایند فرهنگ سازی و ایجاد هویت فرهنگی تحقق می یابد. جامعه ای که گرفتار بحران هویت و به تبع آن مشارکت است، نمیتواند به توسعه دست یابد و طبعاً از اقتدار و امنیت بالایی برخوردار نخواهد بود. این همان نکته مهمی است که استراتژیست های قدرتهای بزرگ به خوبی به آن پی برده اند و بر آن دست نهاده اند «تشدید یا ایجاد بحران هویت در کشورهای جهان سوم به منظور سلطه فرهنگی بر آنها». امروزه این هدف قدرت های بزرگ با استفاده از تکنولوژی ارتباطات و رسانه های گروهی عملی می شود. (روحانی، ۱۳۸۶: ۸).

رسانه ها در دنیای کنونی در عین تنوع بسیار پیچیده اند و بسان یک شمشیر دو لبه هستند که هم می توانند کارکرد مثبت داشته باشند و هم کارکرد منفی. رسانه های جمعی می توانند نقش های سازنده یا ویرانگر داشته باشند. آنها می توانند از طریق تحکیم و تعمیق پیوندهای مذهبی، ملی، فرهنگی و تاریخی یا پیش افتادگی بخش ها در نهایت به تشدید ناموزونی توسعه پردازند. روشن است که در یک نظام هماهنگ رسانه ای، انسجام و پایداری توسعه و در نتیجه تقویت امنیت و احساس امنیت مدنظر است، اما در ازهم گسیختگی رسانه ها، تهدید امنیت قابل پیش بینی است (خانیک، ۱۳۷۶: ۳۵۹).

با مروری بر نظریات مختلف در مجموع می توان قالب نظری این تحقیق را براساس مولفه های زیر در نظر گرفت:

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۴۵

- احساس امنیت دارای دو بعد عینی و ذهنی است و حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی) و احساس ایمنی (امنیت ذهنی) را توأمان شامل می‌شود.
- مسئله امنیتی هم ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران است و هم می‌تواند در اجتماع شناخته می‌شود.
- برای تامین احساس امنیت لازم است به ابعاد مختلف امنیت توجه کرده و در کنار تهدیدات خارجی به تهدیدات داخلی، آسیب پذیری یا انسجام داخلی نیز نظر کرد و حتی در مواردی آسیب پذیری های داخلی مهمتر از تهدید خارجی است.
- رفتار انسان ها در عین اینکه بر استدلال عقلانی استوار است، از زمینه اجتماعی نیز متأثر است. با توجه به این اصل بررسی واقعیت های عینی و استدلال منطقی و شناخت شرایط اجتماعی - فرهنگی است که ذهنیت افراد را شکل می‌دهد و از این رهگذر تأثیر رسانه بر احساس امنیت قابل تأمل و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. روش انجام تحقیق

این تحقیق از نظر روش توصیفی - تحلیلی است. این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی می‌پردازد و لذا هم جنبه کاربردی دارد و هم جنبه بنیادی. در بعد کاربردی از نتایج این تحقیقات در تصمیم گیری ها و سیاست گذاری ها و همچنین برنامه ریزی ها استفاده می‌شود.

در تهیه، گردآوری و تنظیم و تدوین ادبیات موضوع و مباحث نظری این تحقیق و بخصوص یافته ها در زمینه نقش رسانه های جمعی در احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان، جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و بررسی اسنادی بوده که با مراجعه به منابع تولید اولیه شامل مکتوبات، اسناد، مدارک، نوشته ها و همچنین از طریق سایت های اینترنت که قابل دستیابی بودند و برخی تحقیقات معتبر صورت گرفته در گذشته، بهره گرفته شده است.

از آنجا که رسانه دارای ابزارها و قالب های متعددی می باشد، برای بررسی تخصصی موضوع و متغیر مورد بحث در این تحقیق یعنی رسانه، سه مورد از مهمترین ابزارهای رسانه ای یعنی سینما و تلویزیون، سایت ها و کانال های خبری داخلی، و شبکه ها و رسانه های خبری خارج از کشور انتخاب شده و تلاش شده تا از این طریق جمع‌بندی و تحلیل مناسب و منطبق

با واقع از نقش رسانه در احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان بدست آید. رسانه های خبری نقش تعیین کننده در انتقال اخبار، وقایع و رویدادها بر عهده دارند و می توانند افکار عمومی را تحت تاثیر قرار دهند. در حقیقت رسانه های خبری نقش مهم و اساسی در فرآیند ایجاد احساس و ادراک عمومی داشته و تاثیر بسزایی روی فرایندهای اجتماعی دارند.

باتوجه به اینکه یکی از منابع مهم این پژوهش استفاده از آمار و اطلاعات در زمینه بررسی فیلم های سینمایی و رسانه های خبری بوده، با رجوع و استناد به منابع اولیه و اصلی نسبت به بررسی و جمع آوری مستندات اقدام شده تا در راستای ترسیم دقیق و مورد اطمینان از وضع موجود و نتیجه گیری درست، بهره برده شود. با مراجعه به آرشیو فیلم های سینمایی موجود در کشور نسبت به احصاء ۱۱ مورد از فیلم های سینمایی مهم که مرتبط با استان سیستان و بلوچستان بودند، اقدام شده و تصاویر و کلیشه های بازنمایی شده در این آثار از استان سیستان و بلوچستان و مردمان آن نزد مخاطبین مورد بررسی قرار گرفته است و در کنار آن از نظر برخی نخبگان و منتقدان نیز استفاده شده است. در بررسی رسانه های خبری نیز دو مورد از سایت های اصلی و پرمخاطب داخلی انتخاب و در بازه زمانی دو ساله تمامی اخبار مرتبط با استان سیستان و بلوچستان استخراج و بر اساس عنوان و موضوع خبر تقسیم بندی و مورد بررسی قرار گرفته اند. در کنار آن از ابزارها معتبر اینترنتی یعنی «گوگل ترند» نیز برای تایید یافته های تحقیق استفاده شده تا در مجموع نشان داده شود که کلیه جوانب تحقیق از طریق ابزارهای مختلف مورد اندازه گیری قرار گرفته و اعتباریابی شده است.

۴. پیشینه تحقیق

«راضیه ذاکری هامانه» (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن مطالعه موردی شهر یزد» با استفاده از روش پیمایشی، یافته های تحقیق گویای آن است که متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و منطقه سکونت رابطه معناداری با میزان احساس امنیت اجتماعی افراد ندارند؛ در حالیکه متغیرهای میزان استفاده از رسانه های جمعی، رضایت از زندگی، دینداری، بهداشت روانی-اجتماعی و سرمایه اجتماعی دارای رابطه مثبت و معنادار با میزان احساس امنیت افراد است. «مریم مهرابی» (۱۳۹۴) در پایان نامه اش تحت عنوان «بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی شهر خرم آباد» با روش توصیفی و تحلیلی نشان داده که از میان مولفه های شخصی، جنسیت، تاهل، تحصیلات، اشتغال و درآمد با احساس امنیت رابطه معناداری

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۴۷

وجود دارد. همچنین عوامل اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نیروی انتظامی، عملکرد رسانه‌ها و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر احساس امنیت دارای رابطه مثبت و معناداری است. «روح اله قلی پور آهنگر» (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی رابطه بین رسانه (خبر) و احساس امنیت» با روش پیمایشی به بررسی میزان تأثیر اخبار اجتماعی منتشره در رسانه‌های داخلی و خارجی بر میزان احساس امنیت شهروندان تهرانی پرداخته است.

«محمد رضا میرشکاری» (۱۳۹۷) در پژوهشی بنام «بررسی احساس امنیت در بین شهروندان شهر مرزی زاهدان» با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، وضعیت احساس امنیت در مناطق مختلف شهر زاهدان و بین شهروندان این شهر را بررسی نموده و یافته‌های پژوهش نشان داده که احساس امنیت در مناطق مختلف شهر زاهدان متفاوت است و سه عامل خشکسالی و کمبود آب؛ بیکاری و کمبود شغل، کمبود خدمات اجتماعی و بهداشتی بیشترین نقش را در کاهش احساس امنیت شهروندان داشته است. علاوه بر اینکه بین احساس امنیت و متغیر سن، جنسیت و مذهب رابطه معناداری وجود دارد.

«نبوی و همکاران» (۱۳۷۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی» با روش پیمایشی احساس امنیت اجتماعی را با سه بعد امنیت جانی، مالی و سیاسی سنجیده و نتایج آن نشان داده که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و هویت ملی تأثیر مستقیم و متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی اثر معکوسی بر احساس امنیت افراد دارد و متغیرهای هویت قومی و جنسیت، به ترتیب بر احساس امنیت جانی و مالی اثر گذار هستند. «کامران» (۱۳۸۹) نیز پژوهشی تحت عنوان «بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی: مطالعه موردی شهر تایباد» به بررسی مولفه‌های رفاه، آسایش و امنیت پرداخته است. نتایج یافته‌های وی نشان داد که بین احساس امنیت و سرمایه اجتماعی، عملکرد رسانه‌ها، نقش نیروی انتظامی، پایگاه اجتماعی افراد و فضای فیزیکی شهر رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین مطالعات متعدد دیگری نیز در خصوص بررسی میزان و عوامل موثر بر احساس امنیت یا نسبت یک عامل با احساس امنیت در مناطق و شهرهای مختلف انجام ولی موردی در خصوص بررسی این موضوع در استان سیستان و بلوچستان وجود نداشته است.

۵. نقش رسانه ها بر احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان

رسانه ها در طی مخابره وقایع، می توانند با تعیین اولویت های رسانه ای و برجسته کردن بخش های خاصی از واقعیت بر احساس امنیت و ناامنی مخاطبان تأثیر داشته باشند لذا در این بخش تلاش شده تا نقش رسانه ها در احساس امنیت استان سیستان و بلوچستان در دو بخش: ۱- رسانه های داخلی با اشاره به وضعیت سریال ها و فیلم های سینمایی و نحوه انعکاس اخبار در رسانه های خبری ۲- رسانه های خارجی با اشاره به نقش شبکه های مجازی و ماهواره ای خارج از کشور، مورد بحث قرار گیرد.

۱.۵ رسانه های داخلی

در این بخش نقش رسانه های داخلی در دو موضوع « تلویزیون و سینما » و « رسانه های خبری » بررسی شده است.

۲.۵ تلویزیون و سینما

طبق بررسی صورت گرفته بطور کلی اقوام و بخصوص استان سیستان و بلوچستان نقش برجسته ای در سریال های مهم و قابل توجه تلویزیون نداشته اند. اگرچه در تولید برنامه های مستند، اقدامات متعددی توسط گروه های مختلف از جمله عوامل مستقل انجام شده ولی با توجه به اثرگذاری بیشتر مجموعه های پرمخاطب تلویزیون و سینما، فاقد اثرگذاری مناسب بوده اند.

شواهد پژوهشی نشان می دهد که در محتوای برنامه های پخش شده از سینما، اقوام ایرانی به شیوه نامطلوبی به نمایش در می آیند و این اقوام تصاویر پخش شده درباره خود را چندان مطلوب نمی دانند. این امر می تواند یکی از عوامل مهمی باشد که موجب می شود اقوام به رسانه های فراملی و خارجی روی بیاورند و درصدد باشند که تصویر فرهنگ خود را از طریق شبکه های ماهواره ای دریافت کنند. نتیجه یک پژوهش در خصوص تحلیل محتوای مجموعه های خبری سینما در سه شبکه اول، دوم و سوم در مورد متغیر هویت قومی نشان می دهد که در کمتر از یک درصد کل موارد اخبار در مورد فعالیت قومیت های مختلف و معرفی آنها صحبت شده است. در خصوص نمایش تصویر قومیت ها و آداب

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۴۹

و رسوم و آیین و مراسم قومی نیز تنها در یک درصد تصویری ارائه شده است. (باهر، ۱۳۸۹: ۱۴۴)

با بررسی صورت گرفته در خصوص تصویر استان سیستان و بلوچستان در سینمای ایران مشخص می‌شود که سالهاست که از سیستان و بلوچستان تصویری مناسب و گویای تمامی واقعیات و فرهنگ آن در اذهان عمومی شکل نگرفته است. دیار مردمانی سخت کوش که در فضای سینمایی گاه نماد قاچاق است، گاه نماد محرومیت و گاهی ترویس و خشونت. همین مسئله موجب ذهنیت سازی نادرست از وضعیت استان و مردمان این دیار در دیگر مناطق کشور شده و اعتراض و واکنش کارشناسان و حتی عناصر فعال فرهنگی استان را به دنبال داشته است:

متأسفانه اکثر فیلم‌هایی که درباره این استان ساخته شده یا به بحث مواد مخدر پرداخته‌اند و یا به اشرار، فقر و... اشاره کردند و تاکنون فیلمی که به چهره اصلی زیست‌بوم سیستان و بلوچستان و مهمان‌نوازی، تاریخ، جغرافیا و شاخصه‌های اجتماعی این استان پرداخته باشد، ساخته نشده و به جرات می‌توانم بگویم سینمای ایران متأسفانه صرفاً به نکات منفی که شاید پنج درصد استان را شامل شود پرداخته و از ۹۵ درصد ظرفیت‌های محتوایی و فرهنگی مثبت منطقه غافل مانده است. بخشی از این ماجرا به نبود شناخت برمی‌گردد و بخشی به نبود تحقیق و این مسأله باعث شده تا چهره اصلی این استان دیده نشود. (مصاحبه با کارگردان حسین ریگی، خبرگزاری مهر ۹۸/۶/۲۹)

یا به گفته یکی از جامعه‌شناسان «نگاه کسانی که برای فیلم سازی به این منطقه می‌آیند توریستی و اگزوتیک است. تجارت فقر ایجاد شده و جای خدمت به منطقه، کلیشه‌سازی رشد می‌کند. در صورتی که بیرون از مدیوم سینما این استان توپوگرافی ویژه‌ای دارد؛ تفتان، هیرمند و دریای عجیب آن. اگر کمی به تاریخ سینما در این منطقه توجه کنید، نقش‌هایی چون جمشید هاشم‌پور با لباس بلوچی و کله تیغ‌زده یادآوری می‌شود که سردسته مافیاست و این کلیشه‌ها با ورژن جدید بازتولید می‌شود. این باعث می‌شود فیلم‌ها هیچ خروجی جز قربانی شدن آن بخش از سرزمین و تولید نارضایتی اجتماعی نخواهد داشت. این مردم نه تنها در فقر رها شده‌اند، بلکه مورد سوءاستفاده منافع عده‌ای با تصاویر مخدوش قرار گرفته‌اند. سینمای ایران به جای اینکه به مخاطبان خود کمک کند تا تصویر درستی در اختیارش قرار دهد، کاری جز کلیشه‌سازی گذشته‌های دور ندارد. تم‌های اصلی که وجود دارد، این است که سیستان و بلوچستان محلی برای تعقیب و گریز قاچاقچیان است و این از دهه‌های ۵۰ و ۶۰ وجود داشته.

پس از آن در فیلم‌های اخیر مکانی برای بنیادگرایان مذهبی شده است. درحالی‌که به این مسئله توجه نمی‌شود که داستان مردم معمولی، متفاوت از این گروه‌هاست. وقتی هم به بنیادگرایی مذهبی پرداخته می‌شود به این امر نمی‌پردازند که مردم چگونه جذب این گروه‌ها می‌شوند و این گروه‌ها چه معنایی به زندگی مردم می‌دهند، به جای آن به وجوه اکشن ماجرا توجه می‌شود... جمع‌بندی من از ماجرا این است که سینمای ایران عملکرد قابل دفاعی نداشته و هیچ فیلمی را در ذهن ندارم که تصویر واقعی، نه مثبت، از این منطقه ارائه کند. (عبدالوهاب شهلی بر جامعه شناس، مصاحبه با روزنامه همشهری، ۹۸/۱۱/۱۹)

با بررسی صورت گرفته نسبت به فیلم‌های سینمایی مرتبط با استان سیستان و بلوچستان، عدم توجه به فرهنگ، آداب و رسوم، رقص‌ها و موسیقی‌های بومی و محلی و پوشش و زیبایی شناسی جذاب و دلنشین پنهاور استان مانند صفا و خلوص مردم در خاطرات و بیانات رهبر انقلاب از دوران تبعید در ایرانشهر مشاهده می‌شود. در یک تقسیم بندی کلی می‌توان نوع نگاه، ادارک و ذهنیت مردم از این استان را در سینمای کشور در سه دسته زیر قرار داد:

۱- نماد قاچاق مواد مخدر در دهه‌های شصت و هفتاد: در دهه‌های شصت و هفتاد هجری شمسی شامل فیلم‌های تاراج، نیش، عقرب و غیره در جستجوی ساختاری مشخص در این آثار سینمایی است، آثاری که وجه مشخصه تمامی آنها بازی جمشید هاشم پور در نقش قاچاقچی‌ای کهنه کار است. جمشید هاشم پور مدام در حال مبارزه با باندهای مواد مخدر در این استان بود و اگرچه لباس بلوچ‌ها را به تن می‌کرد اما عملاً زمانی که به مبارزه با شخصیت‌های منفی فیلم که آنان نیز این لباس را به تن داشتند، چندان به چشم نمی‌آمد. صورت‌های مرد بلوچ که غالباً با شالی که به سر و گردن می‌بستند و با آن چیزی مثل نقاب درست می‌کردند جوری به نظر می‌رسید که انگار برای مخفی کردن خود از آن استفاده می‌کنند. در دهه ۶۰ و ۷۰ فیلم‌های پلیسی جزء فیلم‌های محبوب دسته‌بندی می‌شد و از استقبال عمومی بالایی نیز برخوردار بود به نوعی که برخی از این آثار جزء پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران قرار گرفته‌اند. موضوع مواد مخدر و مبارزه با قاچاقچیان جزء داستان‌های محبوب کارگردانان و مورد استقبال عمومی بوده و تقریباً در عمده فیلم‌های مذکور از پوشش محلی این استان برای نمایش قاچاق استفاده شده است.

فیلم «تاراج» تولید سال ۱۳۶۳ به کارگردانی ایرج قادری و بازیگرانی شامل جمشید هاشم پور را می‌توان نقطه شروع سینمای حادثه با مضمون قاچاق در سینمای بعد از انقلاب اسلامی دانست. فیلمی که جزء ۱۰ فیلم پرتماشگر بعد از انقلاب می‌باشد و روایت زینال بندری -

قاچاقچی سابقه دار تریاک - است. تاراج از نظر جریان‌سازی در سینمای پس از انقلاب، فیلم قابل مطالعه‌ای است. با این فیلم، سینمای حادثه‌ای ایران الگویی با مضمون قاچاق پیدا کرد. سینمای حادثه‌ای و قهرمان پرور که تا چندین سال پس از انقلاب، حتی مجال و زمینه‌ای برای حضور نمی‌یابد، با بازیگری فردی چون جمشید هاشم پور یا سری طاس، فیزیکی شاخص و شخصیتی منحصر به فرد، شناخته می‌شود، سینمایی که نقطه شروع آن، فیلم تاراج بود. تاراج در سینمای حادثه‌ای ایران الگو شد و جریان ساخت. (مستغاثی، ۱۳۸۰: ۷۷)

فیلم «بلوچ» تولید ۱۳۵۱ و به کارگردانی و نویسندگی مسعود کیمیایی و بازیگری بهروز وثوقی که روایت اختلافات دو گروه قاچاقچی در زاهدان می‌باشد، فیلم «تیغ و ابریشم» تولید ۱۳۶۴ به نویسندگی و کارگردانی مسعود کیمیایی با موضوع مواد مخدر و دستگیری باندهای تبهکاری، فیلم «جدال در تاسوکی» تولید ۱۳۶۵ به کارگردانی فرامرز قریبیان، فیلم «قافله» تولید ۱۳۷۱ به کارگردانی مجید جوانمرد و بازیگری جمشید هاشم پور و به درگیری‌های پلیس با قاچاقچیان می‌پردازد، فیلم «نیش» تولید ۱۳۷۳ به کارگردانی همایون اسعدیان و بازیگری جمشید هاشم پور و ابوالفضل پور عرب، فیلم «عقرب» تولید ۱۳۷۵ به کارگردانی بهروز افخمی و بازیگری جمشید هاشم پور، فیلم «زخمی» تولید ۱۳۷۶ و به کارگردانی کامران قدکچیان و بازیگری جمشید هاشم پور، از جمله فیلم‌های سینمایی بودند که با استقبال مخاطب همراه بوده و به موضوع قاچاق مواد مخدر می‌پردازند و تصویر قاچاقچیان مواد مخدر در پوشش محلی مردم استان سیستان و بلوچستان به تصویر کشیده می‌شود.

۲- نماد محرومیت، بیابان نشینی و کویری: ارائه تصویری از محرومیت و سکونت مردمان در مناطق بیابانی و فاقد پیشرفت یا انتخاب تبعیدگاه‌ها از میان این استان پهناور، از جمله نشانه‌های آن در فیلم‌های سینمایی است.

۳- نماد تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی: موضوع تروریسم در استان سیستان و بلوچستان تقریباً از اواسط دهه ۸۰ شمسی و با اوج‌گیری فعالیت‌های تروریستی گروه‌های جندالشیطان در سطح کشور برجسته شده و به مدت تقریباً یک دهه عمدتاً از طریق رسانه‌های خبری و با انتشار اخبار، تصاویر و کلیپ‌های واقعی عملیات‌های تروریستی در اذهان مردم رسوخ کرد. طی سالیان اخیر و با تولید فیلم‌های سینمایی متعدد چهره این استان در سینما با موضوع تروریسم گره خورده است. تولید فیلم‌هایی مانند «شب‌ی که ماه کامل شد»، «بادیگارد» و «روز صفر» از آن جمله‌اند.

نکته ای که در تقریباً در همه آثار سینمایی با نمادسازی های مذکور مشاهده می شود و یکی از بزرگترین اشتباهات آن می باشد، این است که ضدقهرمان سینما متعلق به استان سیستان و بلوچستان است ولی قهرمان از این دیار نمی باشد.

در فیلم بادیگارد تولید ۱۳۹۴ بادیگاردی به نام «حیدر» محافظ معاون رییس جمهور ایران است که در بلوچستان، مورد حمله یک تروریست انتحاری قرار می گیرد. در این فیلم نیز اگر چه تلاش شده تا بین مردم استان با عناصر افراطی تمایز قائل شود ولی اقدام انفجار انتحاری یک تروریست با لباس محلی، منجر به برجسته سازی مجدد موضوع خشونت از استان سیستان و بلوچستان می شود.

فیلم سینمایی «شبی که ماه کامل شد» تولید ۱۳۹۷ به کارگردانی نرگس آبیاری که با استقبال عمومی و فروش قابل توجهی مواجه شد. فیلم داستان «عبدالحمید ریگی» - برادر عبدالمالک ریگی - است و به خوبی مسیر تغییر یک شخص با زندگی طبیعی به یک شخص افراطی و تروریست به تصویر کشیده می شود. این فیلم به نوعی تلاش می کند خط ممیزی میان اعضای شرور این خانواده و مردم سیستان و بلوچستان و به خصوص طیف وسیعی از قوم شریف ریگی گذارد اما با این حال اکرانش موجب خرسندی همه مردم سیستان و بلوچستان نشد و برخی مردم این استان نسبت به این مسأله خرسند نشدند، چون اعتقاد داشتند این مسأله به همان اندازه که می تواند نقش مثبتی داشته باشد، موجبات وحشت آفرینی است آن هم در دورانی که برخی اقدامات مثبت از جمله در موضوع چابهار و صنعت گردشگری به نفع مردم استان در حال خوردن بود.

و فیلم «روز صفر» تولید ۱۳۹۸ که نحوه و چگونگی دستگیری عبدالمالک ریگی توسط وزارت اطلاعات ایران را روایت می کند. *گام دوم انسانی و مطالعات فرهنگی* قومیت در سینمای ایران بسیار مظلوم است و اگرچه دستگیری عبدالمالک ریگی، یکی از سوژه هایی است که از قابلیت سینمایی بالایی برخوردار است؛ اما اصرار و انحصار بر تولید چنین آثاری به صورت پیاپی، حساسیت هایی را به وجود آورده است. اصرار پرداختن به مسأله تروریسم با مشخصه عبدالمالک ریگی در کنار عدم تولید و نمایش فیلم ها و سریال هایی با هدف ارائه جنبه های مثبت فرهنگ قومیت ها در استان سیستان و بلوچستان به ضرر توسعه استان و دارای آثار منفی در جنبه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی خواهد بود و همین مسأله با واکنش منفی عناصر فعال و نخبگان استان روبرو شده که با طرح این پرسش که «آیا تنها جذابیت سیستان و بلوچستان برای فیلمسازی عبدالمالک ریگی است؟!»

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۵۳

خواستار تغییر جهت‌گیری فیلمسازی نسبت به این استان به عنوان مرکز ناامنی و قاچاق مواد مخدر شده‌اند.

گرچه فیلم‌های مذکور تلاش می‌کنند حساب بلوچ‌ها و حتی بزرگ‌خاندان ریگی را از عبدالمالک در چند دیالوگ و نما جدا کند، اما به خاطر محوریت موضوع تروریسم، لاجرم بر تصویر مخاطب ایرانی غیر بلوچ اثر منفی و کلیشه‌ای می‌گذارد که مقوم همبستگی و یکپارچگی ملی نیست؛ بعنوان نمونه اگرچه فیلم شبی که ماه کامل شد تاکید دارد که بلوچ‌ها را مهمان‌نواز، اهل زندگی و موسیقی نشان دهد و مادری دایمی عبدالمالک هم قرار است عموم مردم بلوچ که منتقد ریگی هستند را نمایندگی کنند، اما باز این تأکیدها نمی‌تواند تصویر کلی که فیلم ارائه می‌دهد را تغییر دهند.

باتوجه به اینکه به نقش اقوام در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی توجه کافی نشده است، این مسئله در حوزه استان سیستان و بلوچستان حتی در مقایسه با دیگر اقوام به نظر می‌رسد که وضعیت بدتری دارد که بعنوان نمونه می‌توان به نقش قومیت‌گرد در سریال‌ها و فیلم‌ها اشاره کرد که دو سریال «نون‌خ» و «خانه امن» نمونه‌های موفق آن هستند. در سریال «خانه امن» و در حالیکه که شاهد حضور گروه‌های تروریستی در منطقه کردستان هستیم ولی تمامی ضدقهرمان‌ها و عناصر منفی سریال یا تابعیت خارجی دارند و در صورتیکه هویت ایرانی داشته باشند، فاقد وابستگی قومی هستند و در مقابل چهره مثبت و قهرمانی از اقوام‌گرد به نمایش می‌گذارد. در استان سیستان و بلوچستان اما به دلیل عدم تولید محتوای مناسب و مثبت، باعث برجسته‌سازی و شکل‌گیری ذهنیت‌های منفی و در نتیجه تبعات و اثرگذاری‌های مهمی بر امنیت و احساس امنیت منطقه شده است بگونه‌ای که حتی بر افزایش گرایش مردم استان بخصوص قوم بلوچ به تولیدات کشورهای شبه‌قاره بخصوص هند و پاکستان موثر بوده است.

۳.۵ رسانه‌های خبری

امروزه، رسانه‌ها منبع اصلی دانش در مورد اخبار عمومی مداوم هستند، آنها همچنین نگرش‌ها و نظرات جوامع را در مورد وقایع از جمله جنگ‌ها شکل می‌دهند. رسانه‌ها طیف وسیعی از تأثیر را بر دانش، نگرش، عواطف، رفتار اجتماعی و نحوه ارائه اخبار، تصویر و نظر جامعه و نحوه قضاوت آنان دارند. (Klepka, 2019: 254) در اخبار مربوط به امنیت، تأثیر منفی رسانه به وضوح قابل مشاهده است، این بدان معناست که اخبار بد، تبدیل به استاندارد شده و با میل

بیشتری نسبت به خبرهای خوب گزارش می شوند و این در نهایت می تواند منجر به وضعیتی شود که توسط یک نظریه پرداز مشهور رسانه «مارشال مک لوهان» توصیف شده است، که متوجه شده است تنها خبرهای خوب درج شده در روزنامه، تبلیغات هستند.

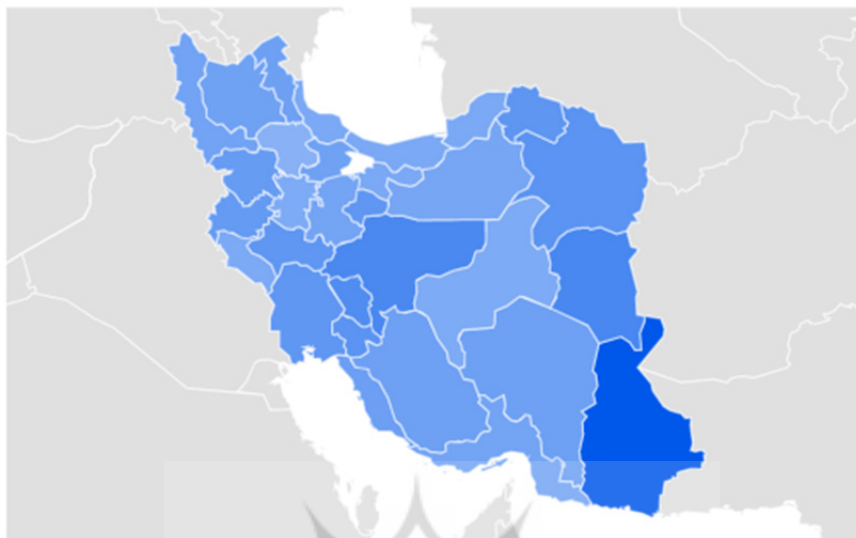
باتوجه به اینکه اعتماد و دقت اطلاعات جمع آوری شده از اهمیت ویژه ای در یک تحقیق برخوردار است برای بررسی وضعیت اخبار مرتبط با استان سیستان و بلوچستان که در رسانه های خبری کشوری منتشر و بازتاب داشته است، دو مورد از بزرگترین و پرمخاطب ترین خبرگزاری های فعال کشور در فضای مجازی شامل «خبر فوری» و «آخرین خبر» انتخاب شده و در بازه دو ساله نسبت به استخراج اخبار مربوط به این استان اقدام و براساس اطلاعات به دست آمده در موضوعات مختلف شامل تروریسم، مواد مخدر، اخبار مرتبط با ناامنی، محرومیت، اخبار توسعه ای و با نگاه مثبت و مطالب دارای جنبه صرفاً اطلاع رسانی، تقسیم بندی شدند که نتایج آن در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱. نتایج خبرگزاری های فعال کشور در فضای مجازی در موضوعات مختلف

موضوع خبر	تعداد اخبار	درصد
تروریسم	۲۸ خبر	۱۶.۵٪
مواد مخدر	۵ خبر	۳٪
ناامنی های عمومی اعم از سرقت های مسلحانه، گروگان گیری و قتل و ...	۲۸ خبر	۱۶.۵٪
محرومیت، کمبودها، خدمت رسانی ضعیف و مشکلات مردم در حوزه های مختلف	۵۶ خبر	۳۳٪
اطلاع رسانی های عمومی	۲۸ خبر	۱۶.۵٪
طرح ها و پروژه های توسعه (مثبت)	۲۵ خبر	۱۵٪

همانطور که از آمار مذکور مشخص است، اخبار با موضوعات امنیتی و انتظامی شامل اقدامات تروریستی، قاچاق مواد مخدر و ناامنی در مجموع با ۳۶ درصد بیشترین میزان اخبار مرتبط با استان سیستان و بلوچستان را شامل می شود. اخبار منعکس کننده مسائل و مشکلات و محرومیت ها با ۳۳ درصد در رتبه بعدی قرار دارد و این در حالی است که اخبار دارای بازتاب مثبت شامل اقدامات توسعه ای تنها ۱۵ درصد اخبار را شامل می شود که البته بخش عمده آن نیز مربوط به منطقه آزاد چابهار می باشد و کمتر شامل دیگر مناطق استان می گردد.

همچنین برای بررسی میزان انتشار مطالب در فضای اینترنت با موضوع تروریسم در سطح کشور، نسبت به بررسی عبارت "تروریستی" از طریق سامانه «گوگل ترند» در سطح کشور طی دو سال اخیر اقدام شد که نقشه آن در شکل زیر مشاهده می شود.



شکل ۱. نقشه جستجوی عبارت "تروریستی" از طریق سامانه «گوگل ترند» در سطح کشور طی دو سال اخیر

همانطور که در نمای مذکور نمایش داده شده است، بیشترین میزان مطالب مربوط با موضوع تروریستی در سطح کشور متعلق به استان سیستان و بلوچستان می باشد. در میان ۲۵ عبارتی که با موضوع تروریسم بیشترین میزان را در کل کشور ثبت کرده اند، ۱۰ موضوع به حادثه های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان از جمله در شهرستان های زاهدان، خاش و نیکشهر مربوط بوده است.

مطالب مذکور نشان می دهد که در عین اینکه میزان اقدامات تروریستی و خرابکارانه در سطح استان سیستان و بلوچستان در بازه زمانی بررسی شده، از دیگر مناطق کشور بیشتر بوده است (به دلیل حضور و فعالیت گروهک های تروریستی و تجزیه طلب)، حجم اخبار و مطالب منتشر شده در سطح رسانه های خبری و فضای اینترنت نسبت به استان عمدتاً منفی و در خصوص موضوعات ناامنی و محرومیت و فقر می باشد که باعث برجسته سازی این موضوعات در بین مردم می شود. در دنیای امروز که رسانه نفوذ و اثرگذاری مهمی بر اذهان و برداشت ها و حتی رفتار و تفکر مردم دارد و می تواند با پرداختن به موضوعات مدنظر، جریان سازی فرهنگی، سیاسی و غیره را به وجود آورد، کاربردکرد رسانه ها در خصوص استان سیستان و بلوچستان عمدتاً منفی می باشد و باتوجه رابطه ای که بین رسانه و احساس امنیت و ناامنی

وجود دارد، به عامل موثر در کاهش احساس آرامش و امنیت برای سیستان و بلوچستان تبدیل شده است.

ابزارهای مختلف رسانه ای که می توانست در راستای اعتلای فرهنگ، معرفی درست فرهنگ مردمان بلوچ و سیستانی، آداب و رسوم، شناخت ظرفیت های عدیده استان در ابعاد مختلف و در ادامه توسعه و پیشرفت این منطقه در جنبه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی فعالیت نماید به دلایل مذکور و طی دوران طولانی نتوانسته در این زمینه اثرگذاری چندانی داشته باشد و بیشتر در جهت ذهنیت سازی منفی از استان حرکت کرده است. اگر چه طی سالیان اخیر شاهد تغییر رویکرد و سیاست برخی رسانه ها در توجه به اقوام هستیم ولی هنوز نتوانسته به آنچه مورد انتظار است، دست یابد.

۴.۵ رسانه های خبری خارجی

فناوری ارتباطات و وجه مشخص آن، یعنی اینترنت در زمان ما، تحولات بی سابقه را به دنبال داشته اند؛ تا آن جا که به وجه غالب جهان معاصر تبدیل شده است. از نگاه «دیوید بل» فضای مجازی فقط مجموعه ای از سخت افزار نیست، بلکه مجموعه ای از تعاریف نمادین است که شبکه ای از عقاید و باورها را در قالب داد و ستد بیت رد و بدل می کنند. (شفیعی نیا، ۱۳۹۴: ۶۸)

حساسیت موضوع قومیت و امنیتی بودن این مسئله موجب شده که به دلیل محدودیت های موجود در پرداختن به این موضوعات، شبکه های مجازی به مکانی برای اجتماع گروه های قومی و مرکزی، تبادل نظر و طرح دغدغه های گروه های حاشیه ای و قومی تبدیل شوند. یکی از مهمترین ویژگی های فعالیت مجازی که در مقولاتی نظیر مسائل قومی نقش قابل توجهی ایفا می کنند، نظارت پذیری بسیار اندک آن است. به طوری که در مقایسه با سایر فناوری های رسانه ای، آزادی چشمگیری به آن بخشیده است. (فکوهی و عیاری، ۱۳۸۴: ۲)

استان سیستان و بلوچستان در کنار اثرات منفی متاثر از فعالیت شبکه های خبری خارجی، به دلیل برخورداری از بافت قومی و مذهبی خاص و قرار گرفتن در موقعیت خاص جغرافیایی و فعالیت گروه های تجزیه طلب قومی در منطقه بلوچستان و گروهک های تروریستی از چندین جهت در معرض آسیب و تهدیدات فعالیت رسانه ای جریانات مذکور می باشد که بطور کلی در دسته بندی های زیر تقسیم بندی می شود:

۱- فعالیت رسانه ای جریانات تجزیه طلب قومی: مهم ترین راهبردی که این رسانه ها با هدف ایجاد واگرایی در نظر دارند، ایجاد «تمایزات فرهنگی مبتنی بر قومیت» است، این رسانه ها به گونه ای به بازنمایی مؤلفه های هویت فرهنگی می پردازند که منجر به ایجاد واگرایی بین هویت های فرهنگی ملی و قومی شوند.

۲- استفاده گروهک های تروستی مانند جیش العدل و غیره از رسانه: گفته می شود که پیوند تقریباً همزیستی بین تروریسم و رسانه ها وجود دارد، زیرا تروریسم داستان های مهیج و وحشیانه زیادی را ارائه می دهد، که به فروش محصولات رسانه ای کمک می کند و رسانه ها به تروریست ها توانایی می دهند تا جهان را از وجود آنها آگاه کنند و ترس را در قلب جامعه گسترش دهد. (Klepka,2019:252)

۳- شبکه های ماهواره ای فارسی زبان وابسته به وهابیت: شبکه هایی که با حمایت عربستان سعودی مانند «نور»، «کلمه»، «وصال» در کنار تقابل با مذهب تشیع، اثرگذاری بر اهل سنت کشور از جمله اهالی و نخبگان این استان از طریق روش های مختلف رسانه ای جزء اهداف اصلی آنان می باشد.

۴- حدود ۱۶ شبکه ماهواره ای فارسی زبان وابسته به تشیع افراطی (انگلیسی) که تقابل با اهل سنت بعنوان اکثریت جمعیت این استان جزء برنامه های اصلی آنان می باشد. از جمله شبکه های مذکور می توان به «امام حسین (ع)»، «ابالفضل العباس (ع)»، «بقیع»، «الانوار»، «سلام»، «چهارده معصوم»، «شبکه ایترتی حضرت خدیجه (س)»، «الزهرا»، «المهدی»، «مرجعیت»، «فدک» اشاره کرد. ایجاد اختلاف و درگیری های مذهبی جزء رسالت های دائمی شبکه های مذکور می باشد و اخیراً توانسته اند با کسب پشتیبانی ها مالی، نسبت به گسترش فعالیت های خود با استفاده از عرصه جذاب سینما با تولید فیلم «بانوی بهشت» (روایت هدف دار شهادت حضرت فاطمه زهرا (س)) اقدام نمایند.

۵- شبکه ها و گروه های متعدد فارسی زبان خارجی بعنوان جریان عمومی مخالف نظام سیاسی کشور که همواره توجه ویژه ای به اقلیت ها از جمله تنوع قومی و مذهبی کشور در راستای اهداف سیاسی خود و ایجاد واگرایی داشته اند. بررسی عمده اخبار و گزارشاتی که توسط دو شبکه بی بی سی فارسی و VOA طی سالیان اخیر از استان سیستان و بلوچستان منتشر شده، نشان دهنده برجسته نمودن تمایزات قومیت و تلاش برای جنبه قومی و مذهبی دادن به اخبار و تمرکز بر انتشار اخبار با دو رویکرد «برجسته نمودن محرومیت و عقب ماندگی» و «القای فضای امنیتی» می باشد. برخی از مهمترین عناوین اخبار و گزارشات منعکس

شده توسط شبکه های مذکور عبارتند از: «کودکان بلوچ در پی آب، در معرض خطر تماس»، «مشکلات سیستان و بلوچستان؛ از گرمادگی تا قطع آب و برق»، «چهار پلیس ایرانی در انفجار سراوان کشته شدند»، «چند سرباز ایرانی در "عملیات خرابکاری" در مرز پاکستان کشته شدند»، «عملیات انتحاری 'جندالله' در سراوان»، «طوفان شن زندگی در سیستان را دشوار کرده است»، «سیستان و بلوچستان؛ عادی سازی فقر؟»، «یک دانش آموز ۱۸ ساله بلوچ بعد از انتقاد از قاسم سلیمانی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد»، «مردم در ایرانشهر به کتک زدن شهروند بلوچ توسط پلیس اعتراض کردند»، «دو شهروند بلوچ توسط ماموران لباس شخصی اطلاعات در شهرستان مهرستان کشته و زخمی شدند»، «ده ها تن از شهروندان بلوچ ایران توسط اطلاعات سپاه بازداشت شدند» و ...

کشورهای خارجی از هیچ کوششی برای از بین بردن و تضعیف حکومت فروگذار نیستند و یکی از شگردهای دشمنان به جهت ساختار ویژگی جمعیتی ایران تحریک و پشتیبانی از اقلیت های قومی است و در این زمینه بهره برداری از ظرفیت رسانه ها از جایگاه ویژه ای برخوردار است و ایران به جهت پراکندگی جمعیتی از نظر نژادی از این قاعده مستثنا نیست. دشمنان خارجی از حمایت سیاسی و مالی، رسانه ای و اطلاعاتی یا وعده های چون خودمختاری و از تحریکاتی چون ضایع شدن حقوق شهروندی و بی تأثیر بودن نظرات به دلیل در اقلیت قرار گرفتن، بی توجهی دولت مرکزی به خواسته ها و نظرات قومیت ها و ... سوء استفاده کرده و زمینه آشوب و درگیری داخلی را فراهم می نماید.

راهبرد شبکه های ماهواره ای خارجی مبتنی بر تضعیف هویت فرهنگی ملی و تلاش برای متمایز کردن هویت فرهنگی از حاکمیت است، در این خصوص جنبه های مثبت هویت فرهنگی را از حاکمیت جدا می کنند و کاستی های هویت فرهنگی را با حاکمیت در می آمیزند. راهبرد دیگر این رسانه ها مبتنی بر تقویت هویت های فروملی و اصالت دادن به عناصر و مؤلفه های هویت قومی است. در این زمینه نیز مهمترین عناصر قومی که به بازنمایی درمی آیند عبارتند از «زبان»، «آداب و رسوم»، «موسیقی و فولکلور»، «سرزمین تاریخی»، «بازنمایی مشاهیر و نخبگان قومی» و «استفاده از شخصیت های شناخته شده قومی». رویکرد غالب های شبکه های مذکور تأکید بر تمایزهای بین قومی است. به همین دلیل این رسانه ها به ظرفیت های توسعه بخش همگرایی و مشارکت فعال اقوام در زندگی اجتماعی توجه چندانی ندارند و با برجسته کردن مسائل محلی اقوام اهداف واگرایی ملی را دنبال می کنند. (رسولی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۲)

پژوهشگران، نقش و تأثیر رسانه‌های خارجی با استفاده از فناوری‌های جدید اطلاعات (ماهواره و اینترنت) را از چند نظر مورد بررسی قرار داده‌اند، برخی از مهمترین این تأثیرات عبارتند از:

۱- تضعیف هویت ملی: هجوم وسیعی از اطلاعات و برنامه‌های برون مرزی زمینه تقویت خاص گرایی در هویت محلی و تضعیف هویت ملی، رشد هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی، تقویت آگاهی قومی، تحریک مطالبات قومی و قوم‌گرایی را فراهم می‌نماید.

۲- تقویت احساس محرومیت نسبی: از ابزارهای نخبگان قومی برای ایجاد بسیج قومی، پروراندن «احساس محرومیت نسبی» است که از این طریق مشارکت گسترده و سازماندهی آگاهانه در جهت خشونت فراهم می‌شود. احساس محرومیت نتیجه احساس وجود شکاف بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی است که بسته به شدت پابندی به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، باعث نارضایتی و خواسته‌های قومی می‌شود و این یکی از عواملی است که گرایش به رسانه‌های خبری با محور قومی را در پی دارد. در بررسی عواملی که باعث احساس محرومیت نسبی می‌شود، به این موارد اشاره شده است: زمانی که مردم احساس می‌کنند ارزش و احترام یکسانی ندارند، عقب افتادگی اقتصادی منطقه آنان در مقایسه با مناطق دیگر به دلیل توسعه ناموزون بیشتر است، نقشی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور ندارند. رسانه‌های فراملی نیز موجب تقویت این احساس در بین گروه‌های قومی می‌شوند. (حافظ‌امینی و سیف‌الهی، ۱۳۸۸: ۹۵)

۳- ایجاد و گسترش شکاف‌های قومی حول محور هویت‌های قومی و دیکته کردن گفتمان تجزیه‌طلبی و استقلال‌خواهی میان مناطق مختلف ایران و کشاندن منازعه بر سر آن در سطح رسانه‌ها.

۴- تسهیل همکاری مشترک بین بخش محلی یک جنبش و تحکیم پیوندهای فراملی درون آن.

۵- سست شدن پایه سرزمینی دولت‌ها، تضعیف کنترل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت‌ها بر مردم و به چالش کشیده شدن یکپارچگی سرزمینی حاکمیت و کاسته شدن از اقتدار و سیطره دولت‌ها.

۶- بین‌المللی شدن مطالبات قومی: یکی از ویژگی‌های فعالیت‌های قومی در شبکه‌های اجتماعی، بین‌المللی شدن این فعالیت‌هاست.

۷- امکان نفوذ جریان های بیگانه به قصد ایجاد تفرقه و هدایت مطالبات قومی.

۸- گسترش نفوذ فرهنگی کشورهای خارجی بویژه کشورهای همسایه مانند گسترش فرهنگ و استفاده از رسانه ها و تولیدات کشورهای شبه قاره در استان.

۹- تضعیف نمادهای ملی در مقابل نمادهای قومی. (حیدری و شاوردی، ۱۳۹۲: ۵۸-۵۹)

این موارد بیانگر پیدایش جنگ نوینی هستند که با بهره گیری از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی شکل می گیرد، جنگی که با پایان یافتن جنگ سرد، در قالب جنگ فرهنگی، خود را نشان می دهد و ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. گسترش جهانی شدن ارتباطات و بهره گیری گروه های قومی از شبکه های ماهواره ای، برای جامعه چند قومی ایران پیامدهای مهمی در خصوص هویت فرهنگی و ابعاد قومی خواهد داشت. آنچه بر ابعاد این مسئله می افزاید این است که به تدریج این شبکه ها بخش بیشتری از زمان مخاطبان داخل کشور را به خود اختصاص می دهند چنان که هم اکنون نیز به رقیبی جدی برای صداوسیما تبدیل شده اند. (رسولی، ۱۳۹۲: ۷۳)

۶. نتیجه گیری و جمع بندی

هدف اصلی این تحقیق، بررسی و شناخت تاثیر رسانه ها بر احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان بوده است. همانطور که بیان شد نیاز به احساس امنیت یکی از نیازهای اساسی بشر به شمار می رود. در حقیقت مرتفع شدن بیشتر نیازهای مهم آدمی حتی نیازهای زیستی نیز به نوعی تابع میزان احساس امنیت است. عموم صاحب نظران بر این باورند که میزان احساس امنیت در یک جامعه به اندازه وجود آن اهمیت دارد، چون واکنش هایی که فرد در جامعه، در قبال عدم امنیت بروز خواهد داد تابع میزان دریافت و ادراک او از امنیت خواهد بود و لذا احساس امنیت، متغیری کلیدی در این خصوص محسوب می شود. از طرف دیگر توانایی های ذاتی وسایل ارتباطی در جریان سازی های فرهنگی و سیاسی، تأثیر آنها بر شیوه های رفتاری و سلیقه های عمومی و جایگاه آنها به عنوان منبعی اصلی و مسلط برای آرایه تصاویر ذهنی از واقعیت ها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی غیرقابل انکار است. روابط بین رسانه و امنیت در زمان معاصر بسیار مستحکم و متنوع است.

در خصوص تصویر استان سیستان و بلوچستان در سینما و تلویزیون مشخص می شود که سالهاست که از سیستان و بلوچستان تصویری غیرمنطبق با واقعیت، گاه مخدوش و بیگانه در اذهان عمومی شکل گرفته است. نوع نگاه، ادراک و ذهنیت مردم از این استان با بررسی فیلم

های سینمایی متعدد عبارت است از: نماد قاچاق مواد مخدر در دهه های شصت و هفتاد با تولید آثار متعدد پلیسی و جنایی در حوزه مواد مخدر، نماد محرومیت، فقر، بیابان نشینی و کویری و نماد تروریسم و افراط گرایی مذهبی طی سالیان اخیر مانند فیلم های «بادیگارد»، «روز صفر» و غیره.

در بررسی میزان اخبار منتشر شده در رسانه های خبری و مرتبط با استان سیستان و بلوچستان نیز بررسی پایگاه های خبری نشان می دهد که اخبار با موضوعات امنیتی و انتظامی شامل اقدامات تروریستی، قاچاق مواد مخدر و ناامنی با ۳۶ درصد بیشترین میزان را شامل می شود و اخبار منعکس کننده مسائل و مشکلات و محرومیت ها و فقر با ۳۳ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. همچنین بررسی میزان انتشار مطالب در فضای اینترنت با موضوع تروریسم در سطح کشور از طریق ابزار «گوگل ترند» نشان می دهد بیشترین میزان مطالب مربوط با این موضوع طی بازه دو ساله متعلق به استان سیستان و بلوچستان می باشد. در بعد رسانه های خبری مجازی و خارجی نیز فعالیت رسانه ای جریانات تجزیه طلب قومی، استفاده گروهک های تروستی از رسانه ها، شبکه های ماهواره ای فارسی زبان با گرایشات قومی و مذهبی و معاند، از مهمترین آسیب ها و تهدیدات این حوزه می باشد که تاثیرات سوء آنان عبارتند از: تضعیف هویت ملی، تقویت احساس محرومیت نسبی، ایجاد و گسترش شکاف های قومی و مذهبی، امکان نفوذ جریان های بیگانه، گسترش نفوذ فرهنگی کشورهای خارجی، تضعیف نمادهای ملی در مقابل نمادهای قومی، دامن زدن به حس ناامنی و تضعیف امنیت و آرامش جامعه.

با توجه به اینکه در احساس امنیت بر جنبه ذهنی و روانی و برداشت های درونی افراد جامعه تاکید می شود و با در نظر گرفتن اینکه مسائل رسانه ای به دلیل اینکه ارزش های اجتماعی و هنجارهای موجود را در بر می گیرد و شامل باورها و اخلاقیات و عادات می شود و تاثیر مستقیم و مهم بر احساسات و ابعاد روانی افراد دارد و در بررسی های صورت گرفته نیز مشخص گردید که ابزارهای مختلف رسانه ای هر کدام تاثیرات مختلفی بر کاهش احساس امنیت در این استان دارند لذا نقش و اثرگذاری رسانه ها از اهمیت بالا و اولویت و اثرگذاری بیشتری بر احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان برخوردارند.

- بادر نظر گرفتن موارد مذکور برخی پیشنهادات و راه کارهای در راستای ارتقای احساس امنیت در استان سیستان و بلوچستان به شرح ذیل معرفی می گردد:

- تاکید بر تمرکز و استفاده از ظرفیت ها و جاذبه های مثبت استان در تولید آثار رسانه ای عمومی و اثرگذار بخصوص فیلم های سینمایی و سریال ها.
- استفاده از اقوام و افرادی با شاخصه های بومی بعنوان قهرمان (نه ضدقهرمان) در آثار تولید شده سینمایی و تلویزیونی.
- حضور پررنگ تر نمادهای بومی و استانی در آثار رسانه ای و محتواهای مثبت.
- پرهیز از تمرکز گرایی صرف در تولید آثار رسانه ای دارای محتوای مرتبط با این استان و نظرخواهی از نهادها و مسئولان استانی در زمان ارائه و تصویب اولیه پیشنهادات.
- وجود کمیته ای برای بررسی آثار سینمایی و سریال های کشوری دارای جنبه های امنیتی، نظامی و انتظامی.
- افزایش پوشش خبری رخدادهای دارای بار روانی مثبت از استان در رسانه های خبری محلی و کشوری.
- استفاده بیشتر و افزایش تولیدات با زبان ها و نمادهای محلی در رسانه های تصویری، مکتوب و مجازی و استفاده از تجربیات مشابه برای دیگر اقوام مثل «گرد» در تولیدات تصویری.
- تقویت جنبه های همگرا با هویت ملی مانند برخی رخدادهای تاریخی در مبارزه با بیگانگان، اصل و نژاد مردم استان و غیره از طریق بها دادن بیشتر به جنبه های بومی در سطح کشوری، تولید آثار رسانه ای با مضمون ملی، تالیف آثار مستند و داستانی.

کتابنامه

- افتخاری، اصغر و نصیری، قدیر (۱۳۸۳). روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، قاسم و افروغ، عماد (۱۳۸۱). جامعه شنای امنیت مولفه ها و ریشه های تاریخی، مجله راهبرد، شماره ۲۶، ص ۲۴۱-۲۶۳.
- امیر کافی، مهدی (۱۳۸۷). بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن مورد مطالعه: شهر تهران، مجله جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول، شماره ۱.

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۶۳

بالدوین، دیوید (۱۳۷۶). بررسی‌های امنیت و پایان جنگ سرد، ترجمه علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶، ص ۴۲-۵۳.

باهنر، ناصر و جعفری کیدقان، طاهره (۱۳۸۹). تلویزیون و تأثیرات کاشتی آن بر هویت فرهنگی ایرانیان، تحقیقات فرهنگی ایران، سال سوم، شماره ۴، ص ۱۳۱-۱۵۶.

بمانیان، محمدرضا و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸). امنیت و طراحی شهری، تهران: نشر هله طحان. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نشر نی. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر جوزف (۱۳۹۸). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

حافظ امینی، حمیرا و سیف الهی، سیف‌اله (۱۳۸۸). برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و تأثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال ۳، شماره ۲، ص ۶۷-۹۸.

حیدری، حسین و شاوردی، تهمینه (۱۳۹۲). شبکه‌های اجتماعی مجازی و قومیت: فرصت‌ها و تهدیدهای پیشرو، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۰، شماره ۴ (پیاپی ۷۶)، ص ۳۷-۶۴.

خانیکی، هادی (۱۳۷۶). رسانه‌های جمعی و امنیت ملی، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت کشور. خدایار، دادخدا (۱۳۹۱). نقش مسائل فرهنگی در امنیت شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، همایش ملی شهرهای مرزی امنیت و چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

دلاور، علی (۱۳۸۴). ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت در تهران، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۴). اصول خبررسانی و برنامه‌سازی در رسانه ملی، تهران: انتشارات سروش. ربیعی، علی (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.

رجبی پور، محمود (۱۳۸۲). درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱۷، ص ۷-۲۸.

رسولی، رضا، معروفی، فخرالدین و خوانچه سپهر، شیرزاد (۱۳۹۲). بازنمایی هویت فرهنگی قومی در شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۰، شماره ۲، ص ۷۱-۱۰۰.

روحانی، حسن (۱۳۸۶). رسانه‌های گروهی و امنیت ملی، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۵، شماره ۴، ص ۷-۴۴.

۱۶۴ رسانه و فرهنگ، سال ۱۲، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- خوانچه سپهر، شیرزاد و ناصری، عرفان (۱۳۸۹). نقش بازنمایی رسانه‌ای الگوهای مصرف در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای مصرفی مخاطبان، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، ص ۱۱۹-۱۴۷.
- شفیعی نیا، عباس (۱۳۹۴)، پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی مطالعه موردی هویت ملی، فصلنامه علمی - تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال ۵، شماره ۱۳، ص ۶۳-۸۶.
- صالحی، اسماعیل (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط زیست شهری، تهران: انتشارات وزارت کشور.
- عبداله‌خانی، علی و آذری، منیره (۱۳۸۳). نظریه‌های امنیت، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عسکری، محمود (۱۳۸۲). رهیافت‌های شناخت‌شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۰، ص ۳۸۳-۴۰۳.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی ملی و جهانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، ص ۱۲۷-۱۶۱.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۳). تأثیر شبکه اجتماعی فیسبوک در هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال ۷، شماره ۱، ص ۱-۲۸.
- کامران، حسن و شعاع برآبادی، علی (۱۳۸۹). بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه موردی شهر تایباد، فصلنامه جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، سال ۸، شماره ۲۵، ص ۲۵-۴۶.
- گرابسکی، پیترا (۱۳۸۴). ترس از جرم و استراتژی کاهش ترس از جرم، ترجمه چنگیز ویس‌الله‌وند و مجید رضایی راد، فصلنامه امنیت اجتماعی، سال ۲، شماره ۲۳، ص ۸۷-۱۱۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مستغاثی، سعید (۱۳۸۰). تحول ژانر در سینمای پس از انقلاب، نشریه فارابی، ش ۴۲ و ۴۳، ص ۴۹-۸۹.
- مهرداد، هرمز (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: فاران.
- نویدینیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۱). بررسی در دو سطح «هویت ملی» و «تعاملات اجتماعی»؛ درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت، فصلنامه راهبرد، سال ۱۰، شماره ۴، ص ۱۳۴-۱۵۷.
- هورن، اندرو (۱۳۸۰). نامنی جهانی، بررسی چهره دوم جهانی شدن، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تأثیر رسانه‌های جمعی بر احساس ... (محمد مهدی دانشی کهن و دیگران) ۱۶۵

Brauch, Hans Günter,(2006). Reconceptualising Security From National To Eevironmental And Human Ssecurity, Otto-Suhr Institute for Political Science, Free University of Berlin, Germany.

Boldrin, M; De Nardi, M; Larry, E, (2015). Fertility and Social Security, Journal of Demographic Economics, 81.

Clements, kevin, (1990). Toward a Sociology of Securiry, Department of Sociology University of Canterbury Christchurch 1, New Zealand.

Klepka, Rafał, (2019). The role of media in informing and acting for the sake of national security, In book: State security in the contemporary world , Wydawnictwo Drukarnia Styl Anna Dura,Poland.

Muller,bjorn, (2003). security and Environment in the Mediterranean: national, societal and human security discussion-case study of the Israel Palestine conflict, Springer Berlin Heidelberg.

Roe, Pual, (2008). The value of positive security, Review of International Studies, cambridge university, Issue 4.

Schneier , Bruce, (2003). Beyond Fear Thinking Sensibly about Security in an Uncertain World , Copernicus Books,New York.

Shinoda, H. (2004). The Concept of Human Security: Historical and Theoretical Implications, NP: IPSHU.

